

مقایسه اهداف تعلیم و تربیت از دیدگاه ایده‌آلیسم و پراگماتیسم

نویسندگان: دکتر محمدحسن میرزا محمدی^{۱*}، حمید علین^۲ و غفور حسینی^۲

۱. استادیار دانشگاه شاهد

۲. کارشناس ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش

*E-mail: mirzamohamadi@shahed.ac.ir

چکیده

آشنایی با اهداف تربیتی مکاتب فلسفی و مقایسه آن‌ها با یکدیگر از آن روی که می‌تواند باعث ایجاد شناخت و آگاهی، و بروز روحیه نقادی نسبت به خطمشی‌ها و برنامه‌ریزی‌های آموزشی شود مطلوب و مفید است. در این نوشتار که برگرفته از مطالعه‌ای اسنادی (کتابخانه‌ای) پیرامون بررسی و مقایسه اهداف تعلیم و تربیت از دیدگاه ایده‌آلیسم و پراگماتیسم است، وجوه اشتراک و افتراق مبانی فلسفی و اهداف تعلیم و تربیت از دیدگاه این دو مکتب فلسفی مورد مطالعه قرار گرفته است. عمده‌ترین نتایج حاصله از این نوشتار عبارتند از:

در خصوص مبانی فلسفی این دو مکتب: در هستی‌شناسی وجه عمده اشتراک، رسیدن به واقعیت از طریق تحریک و برانگیختگی و راهنمایی و وجه عمده افتراق در ماهیت حقیقی هستی است که در ایده‌آلیسم روحی مطلق ولی در پراگماتیسم تجربه نامعین و متکثر می‌باشد. در معرفت‌شناسی وجه عمده اشتراک در فراهم شدن زمینه‌های یادگیری و راهنمایی غیرمستقیم دانش‌آموز و افتراق آن‌ها در مطلق و عقلانی بودن معرفت در ایده‌آلیسم و نسبی و تجربی بودن در پراگماتیسم است، ۲- در ارزش‌شناسی، وجه عمده اشتراک، مربوط به آگاهی در روابط دموکراتیک و نظم اخلاقی جهانی و افتراق آن‌ها در مطلق و بر اساس عمل انجام یافته بودن در ایده‌آلیسم و نسبی و بر اساس نتیجه عمل بودن در پراگماتیسم می‌باشد. در خصوص اهداف تعلیم و تربیت از دیدگاه این دو مکتب در جنبه جسمانی، وجه عمده اشتراک در تندرستی و ایجاد زمینه برای فعالیت‌های اجتماعی و افتراق آن‌ها در استفاده از فعالیت جسمانی برای تقویت عقل به منظور درک حقیقت در ایده‌آلیسم و ارضای نیازها و غنی‌سازی تجربه‌ها در پراگماتیسم می‌باشد. در اهداف هنری، وجه عمده اشتراک، رشد عاطفی، ذهنی و جسمی بچه‌ها، و وجه افتراق، توجه به آفریدگار زیبایی و اعتدال در ایده‌آلیسم و توجه به بیان ارزش‌های تجربه و تغییر محیط و ارضای نیازها در پراگماتیسم است. در اهداف اخلاقی، وجه عمده اشتراک، رشد خصوصیات اخلاقی نظیر روح همکاری متقابل، مسئولیت‌پذیری، دانایی و... و افتراق آن‌ها در توجه به قوانین فراگیر مطلق ایده‌آلیستی و توجه به رفتارهای تحقیق شده سودمند اجتماعی پراگماتیستی می‌باشد. در جنبه عقلانی وجه عمده اشتراک در توجه به کارآیی عقل در حل مسائل جامعه، و وجه افتراق در ارتباط با منبع کلی دانش در ایده‌آلیسم و توانا ساختن فرد برای ساخت بناهای ذهنی توسط خود، در پراگماتیسم می‌باشد.

کلید واژه‌ها: ایده‌آلیسم، پراگماتیسم، اهداف تعلیم و تربیت

- دریافت مقاله: ۸۴/ ۶/ ۱
- ارسال به داوران: ۸۴/ ۶/ ۲۶ (۱)
- ۸۴/ ۴/ ۲۶ (۲)
- ۸۴/ ۴/ ۲۶ (۳)
- دریافت نظر داوران: ۸۴/ ۸/ ۸ (۱)
- ۸۴/ ۸/ ۲ (۲)
- ۸۴/ ۷/ ۲۴ (۳)
- ارسال برای اصلاحات: ۸۴/ ۸/ ۱۱ (۱)
- ۸۵/ ۶/ ۲۸ (۲)
- ۸۵/ ۸/ ۱۵ (۳)
- دریافت اصلاحات: ۸۵/ ۳/ ۱۶ (۱)
- ۸۵/ ۷/ ۸ (۲)
- ۸۵/ ۸/ ۲۰ (۳)
- ارسال به داور نهایی: ۸۵/ ۳/ ۲۹ (۱)
- ۸۵/ ۷/ ۱۰ (۲)
- دریافت نظر داور نهایی: ۸۵/ ۶/ ۵ (۱)
- ۸۵/ ۸/ ۱ (۲)
- پذیرش مقاله: ۸۵/ ۸/ ۲۵

Scientific-Research
Journal of
Shahed University
Fifteen Year
No. 30
2008

دوماهنامه علمی- پژوهشی
دانشگاه شاهد
سال پانزدهم- دوره جدید
شماره ۳۰
شهریور ۱۳۸۷

مقدمه

یکی از مسائل عمده و در عین حال پیچیده، که نظام‌های تعلیم و تربیت جهان معاصر با آن روبه‌رو بوده و

مشخص‌کننده جهت و سوی جنبه‌های مختلف تعلیم و تربیت است مسأله اهداف تعلیم و تربیت می‌باشد. برای انتخاب درست و موفقیت در تعیین اهداف متناسب با

همراهی با فلسفه پراگماتیسم را حرکت به سوی پیشرفت می‌داند [۸].

با توجه به مطالعات انجام شده در این زمینه و آنچه در صدر به آن اشاره گردید می‌توان نتیجه گرفت که به طور کلی برخی از مطالعات به کاربست دیدگاه ایده‌آلیسم و برخی دیگر به کاربست دیدگاه پراگماتیسم در تعلیم و تربیت معتقدند. از یک سو «اگرچه اهمیت ایده‌آلیسم به گذشته و تاریخ تعلق دارد، ریشه و مبنای برخی از عملکردهای کنونی آموزش و پرورش در چشم انداز ایده‌آلیستی نهفته است» [۹] اما از سوی دیگر «پراگماتیسم در آمریکای قرن بیستم پدید آمده است» [۱۰]. مقایسه اهداف تعلیم و تربیت از دیدگاه اندیشمندان این دو مکتب فلسفی، که یکی دارای ریشه‌های تاریخی و دیگری نسبتاً جدید است می‌تواند باعث ایجاد شناخت و آگاهی، و بروز روحیه نقادی نسبت به خط مشی‌ها و برنامه‌ریزی‌های آموزشی شود.

اهداف تعلیم و تربیت ایده‌آلیسم و پراگماتیسم

اهداف تعلیم و تربیت ایده‌آلیسم و پراگماتیسم، را می‌توان در دو بعد فردی و اجتماعی و چهار بخش جسمانی (بدنی)، هنری (ذوقی)، اخلاقی و عقلانی، مورد بررسی و مطالعه قرار داد.

۱. اهداف تعلیم و تربیت از دیدگاه ایده‌آلیستی

در بخش اهداف جسمانی، هدف اصلی تعلیم و تربیت ایده‌آلیسم تندرستی شاگردان است. نکته قابل ذکر در تربیت بدنی ایده‌آلیستی آن است که این بخش به عنوان پایه و مقدمه‌ای برای اهداف دیگر تعلیم و تربیت در این مکتب مطرح می‌شود. از جمله می‌توان به تقویت قدرت عقلانی برای درک حقیقت دیگر، ایجاد روحیه بشر دوستی، اخلاقی و خدمت به اجتماع و تکامل شخصیت و تعدیل فعالیت‌های جسمانی اشاره کرد [۱۰].

در بخش اهداف هنری «ذوقی»، هدف اصلی تعلیم و تربیت ایده‌آلیسم، ایجاد و توسعه ذوق زیبا شناختی در شاگردان است [۱۱]. آنان معتقدند که خداوند مظهر زیبایی است بنابراین، هنر باید شاگردان را به او و حقایق جهان هستی متوجه کند [۱۲]. از طریق آموزش هنر، رشد عاطفی شاگردان ممکن می‌شود و غرایزشان معتدل می‌گردد [۱۳].

ضرورت‌ها و نیازهای جامعه، لازم است اندیشه‌های تربیتی مکاتب فلسفی قدیم و جدید مورد نظر قرارگیرند و با یکدیگر مقایسه شوند. ایده‌آلیسم به عنوان یکی از قدیمی‌ترین مکاتب فلسفی، از یک سو و پراگماتیسم به عنوان یکی از مکاتب فلسفی قرن بیستم از سوی دیگر می‌تواند زمینه مناسبی برای مقایسه باشند به ویژه آن‌که اهداف تعلیم و تربیت در این دو مکتب دارای وجوه مشترک و افتراق بارزی است و اتفاقاً آموزش و پرورش کشورمان از هر دوی این مکاتب به نوعی تأثیر پذیرفته است.

تصوریری که ایده‌آلیسم و پراگماتیسم از انسان به عنوان موضوع تعلیم و تربیت ارائه می‌دهند در جهاتی با هم نزدیک و از نظراتی نیز از یکدیگر دور هستند. انسان در ایده‌آلیسم موجودی روحانی است [۱] بنابراین هدف تعلیم و تربیت آن نیز رساندن انسان به «ایده نیک» است [۲] در حالی که انسان پراگماتیستی موجودی زیستی - اجتماعی بوده، و با هدف رشد و کسب تجارب مستمر تربیت می‌شود [۳].

تحقیقات انجام گرفته در این باره نیز حاکی از شباهت‌ها و تفاوت‌هاست «هدف اصلی تعلیم و تربیت ایده‌آلیسم پرورش شاگرد جهت درک حقایق ناب هستی از طریق روش دیالکتیک افلاطونی است» [۲] «در ایده‌آلیسم انسان به واسطه عقل به معرفت روی می‌آورد در حالی که در پراگماتیسم کسب معرفت از طریق روش علمی تحقیق (حل مسأله) ممکن است» [۴]. «هدف تعلیم و تربیت ایده‌آلیستی رشد عقل و منش است. این مکتب در محتوای آموزشی به مواد مجرد (انتزاعی) و انتقال میراث فرهنگی توجه دارد و اصولاً یادگیری را عملکرد ذهن می‌داند و به معلم اهمیت فراوانی می‌دهد» [۵]. لاورن (Laron) و شاکیدی (Shkedi) در پژوهشی به این نتیجه رسیده‌اند که تغییر فلسفه تربیتی از ایده‌آلیسم به پراگماتیسم یک سیر قهقرای است و تعلیم و تربیت ایده‌آلیستی با توجه به اهمیت فراوانی که جنبه‌های ارزشی و آرمان‌های والای تربیتی می‌دهد به پراگماتیسم ترجیح دارد [۶].

استنف (Stanev) کاربرد فلسفه تربیتی پراگماتیسم در نظام آموزش و پرورش بلغارستان را با توجه به تأکید این مکتب بر پیشرفت، دموکراسی، انسان و علم مفید می‌داند [۷]. شوک (Shook) نیز در مقاله‌ای

در بخش اهداف عقلانی، توانا ساختن شاگردان در استدلال و قضاوت صحیح و حل مسأله مهم‌ترین هدف تربیتی پراگماتیسم می‌باشد. ایجاد ارتباط موثر با محیط و تأثیرگذاری بر آن و استفاده از عقل برای پیش‌بینی آثار و نتایج معین و کنترل شرایط از دیگر اهداف تربیت در مکتب پراگماتیسم است [۲۴، ۲۳، ۱۱].

ارتباط میان اهداف تعلیم و تربیت ایده‌آلیسم با مبانی فلسفی آن

اهداف تعلیم و تربیت ایده‌آلیسم از مبانی فلسفی این مکتب استخراج شده‌اند. با توجه به تفسیر هستی از نگاه ایده‌آلیسم، تعلیم و تربیت باید شاگرد را جهت درک حقایق ناب هستی هدایت کند و وحدت میان عناصر هستی را به او بیاموزد [۲۵ و ۱۱]. تصویری که ایده‌آلیسم از معرفت و شناخت به دست می‌دهد، موجب می‌شود که اندیشه‌ورزی محور تعلیم و تربیت این مکتب قرار گیرد. روش مورد نظر برای کسب معرفت همان دیالکتیک است [۱۰ و ۱۱] و توجه به ارتباط میان قضایا و مفاهیم ذهنی به عنوان یک هدف اساسی در تعلیم و تربیت ایده‌آلیسم مطرح می‌گردد. ارزش‌شناسی ایده‌آلیسم نیز ویژگی‌های ممتازی دارد چون ارزش‌ها مطلق و واحد هستند، آموزش ارزش‌ها هدف بسیار مهمی است. معلم نماینده ارزش‌ها و الگوی شاگردان است [۱۰، ۱۱ و ۲۶]. شاگردان باید با ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی آشنا شوند و تعارضات میان آن‌ها را از میان بردارند.

ارتباط میان اهداف تعلیم و تربیت پراگماتیسم با مبانی فلسفی آن

اهداف تعلیم و تربیت پراگماتیسم نیز از مبانی فلسفی این مکتب استخراج شده‌اند. نگاه پراگماتیسم به هستی به عنوان موضوعی در حال تغییر و این که انسان می‌تواند هستی را تجربه کند و از نو بسازد موجب می‌شود که هدف اصلی تعلیم و تربیت این مکتب، در بازسازی مستمر این تجارب تعریف شود [۲۷ و ۲۸]. تعلیم و تربیت خود زندگی است و شاگردان به دور از مقررات و انضباط‌های خارجی به اکتساب تجارب واقعی زندگی دست می‌زنند. تفسیر معرفت از نظر پراگماتیسم موجب می‌شود تا شاگردان به استفاده از روش‌های علمی برای

در بخش اهداف اخلاقی، هدف اصلی تعلیم و تربیت ایده‌آلیسم درک ارزش‌های اخلاقی و رعایت اعتدال در استعدادهای شاگردان می‌باشد [۱۴]. برای آنان قوانین اخلاقی کلی، فراگیر و ثابت هستند و منشأ آن‌ها خداست پس هدف تربیت باید پیروی از خدا باشد [۱۵]. توجه به راستی و درستی و لذات روحی و بادوام از اهداف فرعی تعلیم و تربیت ایده‌آلیسم است.

در بخش اهداف عقلانی، هدف اصلی تعلیم و تربیت ایده‌آلیسم رسیدن به حقایق ناب (ایده‌ها) از راه تفکر و اندیشه و کاربرد آن‌ها در زندگی می‌باشد [۱۶]. پیروی سایر قوای انسان، یعنی غضب و شهوت، از عقل برای رسیدن به کمال، برقراری ارتباط میان ذهن فرد و ذهن مطلق، برقراری نظم درونی و ایجاد صلح و امید در زندگی از دیگر اهداف تعلیم و تربیت عقلانی در مکتب ایده‌آلیسم به شمار می‌رود [۱۷].

۲. اهداف تعلیم و تربیت از دیدگاه پراگماتیسمی

در بخش اهداف جسمانی «بدنی» تعلیم و تربیت در مکتب پراگماتیسم می‌توان به رشد و تندرستی بدن اشاره کرد. تربیت بدنی در این مکتب در پیوند با تربیت اجتماعی است. شاگردان از طریق بازی با یکدیگر، حس زندگی گروهی خویش را تقویت کرده و آن را زمینه‌ای برای ایفای وظایف اجتماعی در دوران بلوغ می‌دانند [۱۸].

در بخش اهداف هنری «ذوقی» تعلیم و تربیت پراگماتیسم می‌توان به ارضای نیازهای عاطفی و پرورش ذوق زیبایی‌شناسانه در شاگردان اشاره کرد. توسعه مهارت‌های ارتباطی، ایجاد حس خوش‌بینی به آینده و حاکم شدن ارزش‌های اخلاقی و توجه به اصول تحقیق شده در داوری‌های اخلاقی و زیبایی‌شناسانه و بیان آزادانه افکار و ایجاد اعتماد به نفس در شاگردان از دیگر اهداف تربیت هنری در مکتب پراگماتیسم است [۱۳، ۱۹ و ۲۰].

در بخش اهداف اخلاقی، توسعه روح دمکراسی و اهمیت به آزادی هدف اصلی تربیتی پراگماتیسم است. به کار بردن قواعد و رفتارهای تحقیق شده عقلانی و سود مند در سطح جامعه، تجربه فرآیند محور اخلاقی توسط خود فرد و پرورش افراد خودگردان و ایجاد حداکثر سود برای افراد بر اساس خرد جمعی از دیگر اهداف تربیت اخلاقی در مکتب پراگماتیسم است [۱۷، ۲۱ و ۲۲].

پراگماتیسم نسبی و در حال تغییر هستند بنابراین در مکتب پراگماتیسم تعلیم و تربیت وسیله‌ای برای بر آوردن نیازها و خواسته‌های شاگردان است. خرد مشترک علمی و اجتماعی در خصوص نظام ارزش‌ها مورد توجه است، روح دموکراسی بر فضای کلاس حاکم است و مشارکت در زندگی اجتماعی یک عمل اخلاقی به حساب می‌آید [۳۰، ۲۸، ۱۱، ۱۰].

حل مسأله‌های اجتماعی خویش اقدام کنند. پرورش قوه قضاوت صحیح یکی از اهداف مهم پراگماتیسم در این بخش است. استفاده از علایق، تجارب و یافته‌های شاگردان در کسب تجارب جدید یک اصل اساسی معرفت‌شناسی پراگماتیستی است. معلم در این فرآیند، نقش راهنما، محرک و زمینه‌ساز را دارد [۲۹ و ۱۱].

ارزش‌ها نیز مانند هستی و معرفت در مکتب

جدول ۱: وجوه اشتراک و افتراق در مبانی فلسفی ایده‌آلیسم و پراگماتیسم

مبانی فلسفی	وجوه اشتراک	وجوه افتراق
هستی‌شناسی	۱. رسیدن به واقعیت هستی از طریق تعلیم و تربیت است ۲. برای رسیدن به واقعیت نیاز به تحریک و برانگیختگی و راهنمایی می‌باشد ۳. رسیدن به نهایت توانائی‌های انسان مورد نظر است ۴. انسان موجود اجتماعی است ۵. برای هر کس به تناسب توانائی‌های خود، فرصت استفاده کردن و سعی و تلاش به منظور تکامل و رسیدن به هدف باید فراهم گردد.	۱. در ایدئالیسم واقعیت جهان ذاتاً روحی است و جهان مظهری از عقل و اراده کاملاً عمومی است. در حالی که در پراگماتیسم واقعیت جهان، تجربه بی‌ثبات و نامعین می‌باشد. ۲. در ایدئالیسم ماهیت حقیقی انسان غیرمادی است و واقعیت انسان جزئی از روح کلی است. در حالی که در پراگماتیسم انسان بخشی از تجربه و بخشی از طبیعت است ۳. در ایدئالیسم، خداوند روح مطلق و قدرت ازلی در جهان است و آفرینش صنع خداوندی است. در حالیکه در پراگماتیسم موجودات مجرد و غیرطبیعی و عقلانی وجود ندارند و همه چیز در جهان بر اثر تجربه است.
	معرفت‌شناسی	۱. معرفت را اساس درک هستی می‌دانند ۲. انسان قدرت دریافت حقایق را دارد و دانش نتیجه تلاش انسان است ۳. عقل به درک جهان کمک می‌کند ۴. به خود شکوفایی و خود فعالی اهمیت می‌دهند ۵. ذهن قلمروی معانی و مفاهیم است.
ارزش‌شناسی		۱. ارزش، تلاش‌های فردی و اجتماعی است که با نظم اخلاقی جهان هماهنگ باشد ۲. آگاهی یافتن به روابط در جامعه دموکراتیو، جهت ایجاد رفتارهای خوب با ارزش تلقی می‌شود ۳. کشف ارزش‌ها با یاری گرفتن از عقل امکان‌پذیر است ۴. معیار ارزش‌ها در رسیدن به هدف است

جدول ۲: وجوه اشتراک و افتراق در اهداف تعلیم و تربیت ایده‌آلیسم و پراگماتیسم

اهداف تعلیم و تربیت	وجوه اشتراک	وجوه افتراق
اهداف جسمانی تعلیم و تربیت	۱. رشد و تندرستی بدن و افزایش ظرفیت توانائی‌های وجودی به منظور ایجاد تناسب و توانایی لازم و حفظ زندگی و ادامه حیات	۱. در ایدئالیسم تربیت جسمانی برای درک حقیقت مطلق می‌باشد. در حالیکه در پراگماتیسم تربیت جسمانی به منظور غنی‌سازی تجربه‌های فردی و تعامل بیش‌تر با محیط جهت حل مشکلات اجتماعی می‌باشد
	۲. شکل بخشیدن به شخصیت انسانی در جهت تقویت مشارکت اجتماعی، حس زندگی گروهی و ..	۲. در ایدئالیسم تربیت جسمانی به منظور تعدیل قوا و فعالیت‌های جسمانی جهت تکامل شخصیت انسانی است در حالی‌که در پراگماتیسم، تربیت جسمانی به منظور ارضای نیازها و رغبت‌ها می‌باشد.
	۳. آماده‌سازی افراد برای وظایف و مسئولیت‌های دوران بلوغ	
	۴. فراهم کردن زمینه برای خو گرفتن کودک به زندگی اجتماعی و تسهیل فرآیند جامعه‌پذیری و رسیدن به حداکثر کارایی اجتماعی	
	۵. رشد همه جنبه‌های شخصیت آدمی، مشتمل بر رشد عقلانی، عاطفی، و رشد و تکامل فردی و اجتماعی	
اهداف هنری تعلیم و تربیت	۱. پی بردن به ارزش و لزوم تشریح مساعی	۱. در ایدئالیسم تربیت هنری به منظور توجه به آفریدگار زیبایی و صانع هستی است. در حالیکه در پراگماتیسم، تربیت هنری به منظور بیان ارزش‌های تجربه، تغییر در محیط و امید و خوش بینی به آینده این جهانی می‌باشد
	۲. رشد عاطفی، ذهنی و جسمی بچه‌ها	
	۳. بروز توانائی‌ها و تجربه‌های درونی فرد	
اهداف اخلاقی تعلیم و تربیت	۴. توجه به ارزش‌های انسانی و اخلاقی	۲. در ایدئالیسم تربیت هنری به منظور بیان ارزش‌های مطلق انسانی، مبانی اخلاقی و حقایق ابدی جهان هستی می‌باشد. در حالی‌که در پراگماتیسم، به منظور توسعه مهارت‌های اجتماعی می‌باشد.
	۵. توجه به صلح و صفا و آرامش و هارمونی در زندگی	
	۶. پرورش نیروهای خلاقه و ابتکاری و اعتماد به نفس و استقلال در کودکان	
	۱. توجه به ارزش‌های اجتماعی و اخلاقی و اعتقاد به روابط دموکراتیک	۳. در ایدئالیسم تربیت هنری به منظور اعتدال بخشیدن به عواطف و غرائز و ایجاد هماهنگی می‌باشد. درحالی‌که در پراگماتیسم، تربیت هنری به منظور ارضا نیازهای عاطفی؛ فکری و عملی می‌باشد.
	۲. محقق شدن زندگی خوب؛ دانایی؛ فضیلت؛ عدالت؛ و تامین سعادت فرد و جامع	
	۳. توجه به معرفت عقلانی و آگاهی در اخلاق به منظور مهار عواطف و شهوات	
۴. توسعه و تکامل هوش اجتماعی افراد و ارتقاء غرائز به هوش اجتماعی تعاملی، جهت محقق شدن نقش اجتماعی تربیت	۲. در ایدئالیسم، تربیت اخلاقی به منظور تنظیم اعمال و رفتار در جهت پیروی از خیر و پیوند با ایده نیک می‌باشد درحالی‌که در پراگماتیسم به منظور تجربه فرآیند امور اخلاقی توسط خود فرد و پرورش افراد خود انتظام و خودگردان با حاکمیت هوش اجتماعی تأملی می‌باشد.	
۵. اهمیت قائل شدن به آزادی نسبی و آزادی تحت هدایت عقل جهت زندگی دموکراتیک در جامعه		

ادامه جدول صفحه بعد

ادامه جدول ۲:

<p>۱. توجه به راهنمایی و تحریک و سعی و تلاش، جهت زمینه‌سازی برای پرورش عقلانی</p> <p>۲. توجه به عقل به عنوان راهنما و چراغ روشن فراروی تعلیم و تربیت</p> <p>۳. خودشکوفایی از طریق ارتقاء کنجکاوی</p> <p>۴. رسیدن به واقعیت‌ها از طریق استدلال و قضاوت صحیح</p> <p>۵. تحقق رشد و کارآیی اجتماعی</p> <p>۶. توجه به الگوی تفکر</p>	اهداف عقلانی تعلیم و تربیت
<p>۱. در ایدئالیسم هدف از تربیت عقلانی، رسیدن به حقایق ثابت (ایده‌ها) از راه تفکر و اندیشه (روش دیالکتیکی) می‌باشد. درحالی‌که در پراگماتیسم هدف رسیدن به حداکثر رشد (بازسازی تجارب) از راه توانا ساختن فرد برای حل مسأله می‌باشد.</p> <p>۲. در ایدئالیسم تربیت عقلانی به منظور برقراری ارتباط بین ذهن فردی و ذهن مطلق، جهت سهیم شدن در آراء و افکار ذهن مطلق می‌باشد. در حالیکه در پراگماتیسم به منظور بناکردن ساخت‌های ذهنی توسط خود فرد در تعامل بامحیط می‌باشد.</p> <p>۳. در ایدئالیسم؛ تربیت عقلانی به منظور پیروی از خیر جهت برقراری نظم درونی و ایجاد صلح و صفای پایدار و امیدبخش بودن کل زندگی است. در حالی‌که در پراگماتیسم به منظور ابزار حل مسأله جهت پیش بینی آثار و نتایج معین و کنترل شرایط می‌باشد.</p>	

وجوه اشتراک و افتراق در مبانی فلسفی ایده‌آلیسم و پراگماتیسم

به منظور وضوح تبیین وجوه اشتراک و افتراق بین این دو مکتب فلسفی و تسهیل شرایط مقایسه بین آن‌ها، این موارد در جدول ۱ خلاصه شده است.

همان‌گونه که در جدول ۱ دیده می‌شود تفسیر این دو مکتب از هستی، شناخت و ارزش موجب بروز شباهت‌ها و تفاوت‌هایی میان آن‌ها شده است هر دو رسیدن به واقعیت هستی را از راه کسب معرفت با ارزش می‌دانند اما در این مسیر تعریف واقعیت، ابزار شناخت آن و میزان ارزش آن متفاوت است.

وجوه اشتراک و افتراق در اهداف تعلیم و تربیت ایده‌آلیسم و پراگماتیسم

به منظور فراهم آمدن امکان مقایسه، این وجوه نیز در قالب جدول ۲ خلاصه شده است.

همان‌گونه که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، هر دو مکتب به تمامی اهداف تعلیم و تربیت توجه ویژه دارند و بالاترین مرتبه تعلیم و تربیت را در هدف عقلانی آن تعریف می‌کنند. در عین حال تفاوت ماهوی دیدگاه‌های دو مکتب در خصوص انسان (به عنوان محور تعلیم و تربیت) موجب تفاوت‌های قابل توجهی در اهداف آن‌ها شده

است.

نتیجه‌گیری

علی‌رغم اختلافات عمیق در مبانی فلسفی ایده‌آلیسم و پراگماتیسم و نیز وجود اختلافات جدی در تعیین اهداف تعلیم و تربیت، از آن‌جا که هدف عمده تعلیم و تربیت در هر دو دیدگاه آموختن دانستنی‌ها و مهارت‌ها و توانا کردن دانش‌آموزان برای برآوردن نیازهای فردا بوده است وجود وجوه اشتراک در اهداف امری طبیعی جلوه می‌کند. اما جدای از وجوه اشتراک و افتراق اهداف تعلیم و تربیت در این دو دیدگاه، هر یک از این دو دیدگاه دارای نقاط قوت و ضعف بارز در اهدافشان می‌باشند که نشأت گرفته از نوع نگاه به انسان و نیازهای او در این مکاتب است.

ایده‌آلیسم با تکیه بر ماهیت روحانی انسان و جهان و تأکید بر فرآیند شکوفایی و رشد بالقوه آدمی، به عنوان یکی از کهن‌ترین نظام‌های فکری بشری، ریشه و مبنای منطقی بسیاری از عملکردهای کنونی آموزش و پرورش است. اما تکیه بیش از حد بر معنی، و نادیده گرفتن بسیاری از واقعیت‌های محیطی و بیرونی باعث عدم درک درست این مکتب از نیازهای طبیعی انسانی شده است.

پراگماتیسم با تکیه بر نظریه پراگماتیک حقیقت (سنجش یک اندیشه به معیار کارایی و سودمندی آن) از آن‌جا که جریان آموزش و پرورش را به زندگانی حقیقی نزدیک می‌کند و بدین‌سان بسیاری از ناهماهنگی‌های میان

آموزه‌های تربیتی هر دو مکتب و اصرار نداشتن بر توجه به یکی و رها کردن دیگری، گزینه بهتری برای نظام‌های آموزش و پرورش می‌باشد [۴]. به عبارت دیگر دست‌اندرکاران نظام‌های آموزش و پرورش از جمله نظام آموزش و پرورش کشورمان می‌توانند با حفظ اصول و معیارهای مبتنی بر بینش و فلسفه حاکم بر نظامشان، از آن دسته اهداف تربیتی این دو مکتب فلسفی که در راستای اهداف تربیتی خودشان نیز هست به نحو شایسته و مطلوب استفاده نمایند.

علم و عمل، مدرسه و محیط اجتماعی بیرون آن فرد و جامعه، انضباط و آزادی و همچنین وسیله و هدف را از میان بر می‌دارد [۳۱]. اما با این همه پای‌بندی بسیار و بیش از حد آن به عمل و واقعیت، باعث نادیده گرفته شدن بسیاری از جنبه‌های ژرف و معنوی انسان می‌شود و تعلیم و تربیت را در حد آموختن دانستی‌ها و مهارت‌هایی که کاربرد مشخص و پیش‌بینی شدنی دارد تنزل می‌دهد.

به این ترتیب شاید بتوان ادعا نمود که اهداف تربیتی این دو مکتب به نوعی مکمل یکدیگرند و استفاده از

منابع

۱۴. وارنوک. ج (۱۳۶۲) فلسفه اخلاق در قرن حاضر، ترجمه صادق ا. لاریجانی، تهران، مرکز نشر انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۵. فیاض، علی اصغر (۱۳۷۴) تاریخ اندیشه‌های تربیتی، جلد دوم، تهران، سمت.
16. Howers. T. (1992). *Modles of Teaching*, Toronto, Canada Allynan Bacon, Boston.
۱۷. کاپلستون، فردریک (۱۳۶۸) تاریخ فلسفه یونان و روم، جلد یک، ترجمه سید جلال الدین مجتبیوی، تهران، سروش.
۱۸. کریمی، جواد (۱۳۸۱) نگاهی به تاریخ تربیت بدنی جهان، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
۱۹. وینیو، ژان دو (۱۳۷۹) جامعه شناسی هنر، ترجمه مهدی سحابی، تهران، نشر مرکز.
۲۰. هاوزر، آرنولد (۱۳۷۲) تاریخ اجتماعی هنر، جلد سوم، ترجمه مجید امین مؤید، تهران، انتشارات چاپخش.
۲۱. اسماعیلی، علی، سعید (۱۳۷۷) پژوهشی پیرامون چند فلسفه تربیتی معاصر، ترجمه عباس عرب، مشهد، آستان قدس رضوی.
۲۲. پاپکین، ریچارد اچ (۱۳۷۵) متا فیزیک و فلسفه معاصر، ترجمه سید جلال الدین مجتبیوی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۲۳. باقری، خسرو و عطاران، محمد (۱۳۷۶) فلسفه تعلیم و تربیت معاصر، تهران، سوره.
۲۴. مهر محمدی، محمود (۱۳۷۴) مسأله محوری، فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره ۴۳ و ۴۴، وزارت آموزش و پرورش.
۲۵. شعاری نژاد، علی اکبر (۱۳۷۶) فلسفه آموزش و پرورش، تهران، انتشارات امیر کبیر.
1. Butler, D (1963) *Idealism in Education*, New York: Harper and Row publishers.
۲. میرزا محمدی، محمد حسن (۱۳۸۲) بررسی مقایسه‌ای اهداف تعلیم و تربیت از دیدگاه افلاطون و فارابی، مجله روان شناسی و علوم تربیتی، سال سی و سوم، شماره ۲، صص ۲۲۶-۲۰۳.
3. Barger. R. (2001) *Philosophical Belief systems*, Noterdam, English Press.
۴. سجادی، سیدمهدی (۱۳۷۶) تبیین و ارزیابی دیدگاه معرفت شناختی ایدئالیسم، رئالیسم و پراگماتیسم و دلالت‌های روش شناختی آن در فلسفه تربیتی، رساله دوره دکتری، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
۵. ندایی، هاشم (۱۳۷۳) بررسی فلسفه، ایدئالیسم (بر کلی و باتلر) و رئالیسم در فلسفه اسلامی (علامه طباطبایی و استاد مطهری)، رساله دوره دکتری، تهران، دانشگاه تربیت معلم.
6. Laron. D. and Shkedi. A. (2004) *Teaching and teacher Education*, The university of Chicago press.
7. Stenve, S. (2002) *Humanism and pragmatism in education*, National Institute of Education.
8. Shook. J. R. (2004) *Truth and the pragmatic theory of learning*, Oklahoma state university.
۹. گونک، جرال‌دال (۱۳۸۰) مکاتب فلسفی و آرای تربیتی، ترجمه محمد جعفر پاک سرشت، تهران، سمت.
10. West. C. (1989), *The American Evasion of Philosophy: A Genealogy of Pragmatism*, University of Wisconsin Press.
11. Butler. J. D. (1968). *Four Philosophies and their practice in education and Religion*, New York, Harper and Row publishers.
۱۲. مدد پور، محمد (۱۳۷۱) حکمت معنوی وساحت هنر، تهران، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
۱۳. محدثی، جواد (۱۳۷۲) هنر در قلمرو مکتب، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.

۲۶. نلر، جرج اف (۱۳۷۷) آشنایی با فلسفه آموزش و پرورش، ترجمه فریدون بازرگان، تهران، سمت.
۲۷. دیویی، جان (۱۳۲۵) آموزشگاه‌های فردا، ترجمه ا.ح. آریانپور، تهران، انتشارات فرانکلین.
۲۸. اوزمن، هواردا و کراور، سموئل ام (۱۳۷۹) مبانی فلسفی تعلیم و تربیت، ترجمه گروه علوم تربیتی، تهران، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره).
29. Cooper. R. (1998) Those who can Teach, Birkbeck Collegelondon Houghton Mifflin company.
۳۰. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه (۱۳۷۶) اهداف تربیت از دیدگاه اسلام، تهران، سمت.

